

بررسی تفسیری «المُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ» با تأکید بر سبب نزول

علی آهنگ*

احمد قرائی سلطان آبادی**

چکیده

آیه «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» از جمله آیاتی است که به واسطه نقل سبب نزول خاصی، محل اندیشه‌ورزی مفسران و تفقه فقیهان شده است. مفسران با استناد به گزارشی از ابوسعید خدری، محتوای آیه را با غزوه اوطاس = حنین پیوند می‌زنند مبنی بر اینکه آیه جهت تعیین تکلیف «سبایای اوطاس / زنان شوهردار اسیر شده در غزوه اوطاس» در سال هشتم هجری نازل شده و با استثنائی که زده، ازدواج با زنان شوهرداری که در جنگ اسیر شوند را از شمول حرمت مطرح در آغاز آیه خارج نموده است. پژوهش پیش‌رو با در پیش گرفتن روش تحلیلی به همراه رویکرد انتقادی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای به این نتیجه رسیده است که فهم رایج از این آیه شریفه که متأثر از سبب نزول می‌باشد، با روح معارف قرآن کریم از یک‌سو و با سیاق آیات از دیگر سو ناسازگار است. سبب نزول ادعایی نیز فاقد قرائن صحت بوده و نمی‌توان اندیشه تفسیری را بر آن بنا نهاد. از این‌رو بازاندیشی در سبب نزول آیه و فهم رایج از آن امری ضروری محسوب می‌شود، به‌ویژه هنگامی که گروه‌های بنیادگرا و دگم‌اندیشی چون: داعش، سلفیه و ... با استناد به چنین فهمی، چهره‌ای مشوه از اسلام به جهانیان ارائه می‌دهند.

واژگان کلیدی

آیه ۲۴ سوره نساء، تفسیر فقهی، مُحْصَنَات، سبایای اوطاس، ملک یمین.

طرح مسئله

یکی از مهم‌ترین کارکردهای علم تفسیر تبیین مبهمات قرآن کریم است، از این رو تفسیر را روشن ساختن معنا و کشف مقاصد و مدالیل آیات قرآن معرفی نموده‌اند.^۱ در تعریفی نسبتاً جامع، دانش تفسیر را «تبیین مفاد استعمالی آیات و کشف مراد جدی خداوند بر پایه قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره» دانسته‌اند.^۲

یکی از دانش‌های مرتبط با علم تفسیر و بلکه از پیش‌نیازهای حقیقی این علم، دانش اسباب نزول است. اسباب نزول در صورت حقیقی بودن گرچه می‌تواند بسیاری از گره‌های تفسیری را بگشاید و نگاه واقع‌بینانه‌تری نسبت به مفاد آیه به‌دست دهد؛ ولی به اذعان تمامی مفسران سبب نزول‌های ذکرشده برای آیات نمی‌تواند محدود‌کننده مفهوم آیه باشد، از این رو گویند: «العبرة بعموم اللفظ و لا بخصوص المورد».^۳ با این همه، گاه اسباب نزول به جای انعکاس حقیقت تاریخی، نوعی شبه تاریخ را گزارش نموده که این امر باعث خلط فرضیه با واقعیت شده و نه تنها نتوانسته کمکی به تبیین مفاد آیه کند، که باعث بروز پیچیدگی‌های تفسیری و چالش‌های فقهی در جهان اسلام شده است؛ برای مثال سبب نزول نقل‌شده ذیل آیه ۲۴ سوره نساء در مظان چنین گمانی قرار دارد.

بر این پایه، پژوهش حاضر در پی آن است تا با کنکاش در نظرات تفسیری، ابتدا مشخص سازد مفسران در قرون نخست هجری چه برداشتی از آیه داشتند و چرا و چگونه این برداشت اولیه دچار تحول شده است، سپس با تکیه بر شواهدی چون سیاق آیات، روح حاکم بر قرآن و مبانی عقلانی شریعت کدامیک از دو دیدگاه تفسیری به مراد خداوند نزدیک‌تر است. در نهایت، مشخص گردد سبب نزولی که زمینه تحول در اندیشه تفسیری را فراهم ساخته، تا چه میزان معتبر می‌باشد. از آنجاکه، اندیشه تفسیری متأثر از سبب نزول به عنوان یک اندیشه غالب، از منابع روایی و تفسیری اهل سنت به حوزه تفسیری شیعه راه یافته؛ در این پژوهش تمرکز بر منابع روایی و تفسیری اهل سنت خواهد بود.

در میان تحقیقات موجود آنچه مربوط به پیشینه این تحقیق می‌شود، همان مباحثی است که به شکل کلی در کتاب‌های تفسیری و فقهی فریقین ضمن ذکر سبب نزول و تفسیر آیه آمده است، اما تحقیقی پیدا نشد که به شکل خاص بر صحت روایت سبب نزول و سازگاری آن با فهم اولیه از آیه و ارزیابی آنها

۱. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱، ص ۴.

۲. بابایی، *روش‌شناسی تفسیر قرآن*، ص ۲۳.

۳. سیوطی، *الإتقان*، ج ۱، ص ۱۱۰.

اهتمام داشته باشد. از این رو نقد و بررسی اندیشه تفسیری رایج و متأثر از سبب نزول در ذیل آیه ۲۴ نساء، با تحلیل محتوایی مفردات آیه شریفه در پرتو پیوندهای پنهان و آشکار سایر آیات و نیز نقد سندی و متنی سبب نزول که در جای دیگری بدین شکل مورد توجه قرار نگرفته بود، می‌تواند جنبه نوآورانه این پژوهش محسوب شود.

نگاه اجمالی به آیه

آیه ۲۴ سوره نساء که با عبارت «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» آغاز می‌شود، عطف بر آیاتی است که حرمت نکاح با محارم را تبیین می‌کنند. کاربست اسلوب استثناء در این آیه چنان غیر منتظره بود که مفسران را به چاره‌اندیشی در این خصوص واداشت. فهم مفسران نخستین از آیه این بود که «نكاحُ الحرائرِ فوقَ الأربعِ حرامٌ إلاَّ ملكَ اليمينِ: ازدواج با بیش از چهار زن آزاد حرام است به جز ملک یمین». اما این اندیشه تفسیری دیری نپایید که با نظریه‌ای رقیب جایگزین شد. این نظریه با تکیه بر سبب نزولی که مدعی بود آیه در راستای تعیین تکلیف «سبایای اوطاس» - زنان شوهرداری که در غزوه اوطاس = حنین اسیر شدند - نازل شده است، به مرور به نظریه‌ای بلامنازع در تفسیر آیه بدل شد. پیروان این نظریه تفسیری، با تخصیص «مُحْصَنَاتُ» به «ذوات الازواج» و تعمیم «ملک یمین» به «أمه / کنیز» و «سبایا / زنان اسیر شده» معتقدند: آیه شریفه ازدواج با زنان شوهردار را تحریم نموده به جز دو دسته؛ یکی کنیز شوهردار و دیگری زن شوهردار مشرک یا اهل کتابی که اسیر شود.

گزارشی از روایات و اقوال تفسیری

مجموعه روایات و اقوال تفسیری پیرامون آیه شریفه را می‌توان در دو بازه زمانی قرن دوم هجری و سپس از قرن سوم هجری تاکنون مورد ارزیابی قرار داد.

۱. روایات و اقوال تفسیری قرن دوم

داده‌های تفسیری قرن دوم هجری؛ یعنی دقیقاً پیش از آنکه گزارش منسوب به ابوسعید خدری توسط محدثان و مفسران قرن سوم توسعه یابد، برداشتی از آیه ارائه می‌دهد که به‌رغم هم‌خوانی با سیاق، چنان‌که خواهیم گفت، به دیدگاهی مرجوح بدل گشته و در گذر زمان به فراموشی سپرده شده است.

مقاتل بن سلیمان (۱۵۰ق) می‌نویسد:

«وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ» يَعْنِي: وَكُلُّ امْرَأَةٍ أَيْضًا فَيَنْكَحُهَا حَرَامٌ مَعَ مَا حُرِّمَ مِنَ النِّسَابِ وَالصَّهْرُ ثُمَّ أُسْتَثْنِيَ مِنَ الْمُحْصَنَاتِ. فَقَالَ - سُبْحَانَهُ - «إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» مِنَ الْحَرَائِرِ مَنِّي

وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ «كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ» يَعْنِي فَرِيضَةَ اللَّهِ لَكُمْ يَتَحْلِيلُ أَرْبَعٍ: یعنی افزون بر حرمت نکاح با محارم نسبی و سببی، نکاح با هر زن دیگری نیز حرام است، مگر به ملک یمین که در خصوص زنان آزاد حداکثر تا چهار زن جایز است.^۱

دیگر مفسر قرن دوم هجری ابن وهب مصری (۱۹۷ ق) نخستین روایت خود در ذیل آیه را به دیدگاه عبیده سلمانی اختصاص می‌دهد: «أَخْبَرَنِي الْحَارِثُ عَنْ أَيُّوبَ عَنْ إِبْنِ سِيرِينَ عَنْ عَبِيدَةَ السَّلْمَانِيِّ قَالَ فِي هَذِهِ الْآيَةِ «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ»، قَالَ: أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ أَرْبَعًا».^۲ این برداشت از آیه شریفه که فهم آن را به آیات آغازین سوره نساء پیوند می‌زند و مفهوم «حرمت ازدواج با بیش از چهار زن آزاد» را از آیه استنباط می‌کند، در نقلی به ابن عباس^۳ و در گزارشی به عمر بن عبدالعزیز نیز نسبت داده شده است.^۴

بازتاب‌های این دیدگاه تفسیری در قرون بعدی نیز در خور توجه است. طبری در نقلی منسوب به عبیده سلمانی می‌نویسد: خدای متعال در ابتدای سوره، جواز ازدواج با حداکثر چهار زن آزاد را تشریح نموده و در این آیه حرمت ازدواج با بیش از چهار زن آزاد را تبیین نموده است.^۵ فخر رازی نیز در توضیح یکی از اقوال تفسیری می‌گوید: در این آیه شریفه ازدواج با زنان آزاد تحریم شده مگر همان تعدادی که خدا به واسطه ازدواج به ملک شما در آورده؛ یعنی چهار زن.^۶

با این وجود، برداشت مزبور از آیه شریفه چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. از این رو خیلی زود جایگاه خود را به اندیشه‌ای می‌دهد که تحت تاثیر روایت منسوب به ابوسعید خدری، مدعی کشف سبب نزول آیه بود و از قرن سوم هجری تاکنون به عنوان نظریه‌ای بلامنازع در تفسیر مطرح می‌باشد و زیربنای آراء فقهی و مبنای عملی جامعه اسلامی قرار گرفته است.

۲. روایات و اقوال تفسیری قرن سوم

گزارش‌های روایی و تفسیری این بازه زمانی به دو دسته کلی قابل تقسیم‌اند:

دسته یکم: مهم‌ترین روایات در این حوزه که اندیشه تفسیری را راهبری نموده، روایاتی است که به سبب نزول آیه تصریح نموده و مدعی است این آیه شریفه در صدد تعیین تکلیف «سبابای اوطاس / زنان

۱. مقاتل، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۱، ص ۳۶۶.

۲. ابن وهب مصری، تفسیر القرآن من جامع لابن وهب، ج ۱، ص ۷۹.

۳. ابن ابی حاتم رازی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۹۱۶.

۴. ابن وهب مصری، تفسیر القرآن من جامع لابن وهب، ج ۱، ص ۷۹.

۵. طبری، جامع البیان، ج ۵، ص ۴.

۶. رازی، مفاتیح الغیب / تفسیر کبیر، ج ۱۰، ص ۳۵.

اسیر شده در غزوه اوطاس = حنین» نازل شده است.^۱ ابوسعید خدری در میان صحابه تنها کسی است که این روایات را گزارش نموده است.

دسته دوم: این دسته از روایات، که به سبب نزول آیه اشاره نکرده، خود به چند شاخه تقسیم می‌شوند. بخش عمده‌ای از این گزارش‌ها که تلاش می‌کند خود را تا مرتبه حدیث مرفوع بالا بکشد و از قضا به واسطه ابوسعید خدری به پیامبر ﷺ می‌رسد، در صدد بیان این نکته‌اند که آن حضرت ﷺ درخصوص سیبایی اوطاس فرمود: «لَا تُوطَأُ حَامِلٌ حَتَّى تَضَعَ حَمْلَهَا وَ لَا غَيْرُ ذَاتِ حَمَلٍ حَتَّى تَحِيضَ حَيْضَةً؛ تا زمانی که زنان باردار وضع حمل نکنند و زنان غیرباردار یک دوره حیض نبینند کسی حق تعرض به آنها را ندارد».^۲

شخصیت حدیث‌گرایی چون مالک بن انس (۱۷۹ ق) با آنکه ماجرای سیبایی اوطاس را گزارش می‌کند؛ ولی هیچ رابطه‌ای بین سبب نزول آیه و این واقعه تصور نمی‌کند. بنابراین روایات وقتی ابن‌محریر و در نقلی ابوصرمه از ابوسعید خدری در خصوص «عزل»^۳ می‌پرسند، ابوسعید برای آنها توضیح می‌دهد که: در غزوه بنی‌المصطلق همراه پیامبر ﷺ بودیم، تعدادی از زنان و دختران عرب را اسیر نمودیم و به‌خاطر اینکه مدتی به سختی، عزوبت (دوری از همسر) کشیده بودیم، میل به زنان داشتیم. از طرفی هم نمی‌خواستیم نطفه‌ای شکل بگیرد؛ لذا حکمش را از پیامبر ﷺ جویا شدیم. حضرت فرمود: چنین نکنید؛ زیرا هر آنچه بخواهد به وجود بیاید، حادث خواهد شد.^۴

این روایات ذیل موضوع «کیفیت استبراء سیبایا / ملک یمین» توجه مفسران را به خود معطوف داشته است.^۵

تعدادی روایات پراکنده نیز وجود دارد که یا به غزوه اوطاس (در سال هشتم هجری) اشاره‌ای نکرده‌اند؛ مانند آنچه از ابن‌عباس روایت می‌شود که: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ نَهَى أَنْ تُوطَأَ الْحَامِلُ حَتَّى تَضَعَ».^۶ یا روایت ابوثعلبه الخشنی: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ نَهَى عَامَ خَيْبَرَ أَنْ تُوطَأَ الْحَبَالِيُّ مِنَ السَّبْيِ حَتَّى يَضَعْنَ»^۷ یا نزول

۱. نیشابوری، *الجامع الصحيح*، ج ۲، ص ۱۰۷۹.

۲. دارمی، *السنن*، ج ۳، ص ۱۴۷۴.

۳. در اصطلاح فقهی، جلوگیری از ریختن منی در رحم زن، به هنگام آمیزش را «عزل» منی می‌گویند. (محمود عبدالرحمن، *معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية*، ج ۲، ص ۴۹۸)

۴. مالک بن انس، *الموطأ*، ج ۴، ص ۸۵۷.

۵. قرطبی، *الجامع لأحكام القرآن*، ج ۵، ص ۱۲۲.

۶. طبرانی، *المعجم الأوسط*، ج ۱، ص ۱۵۳.

۷. ابن‌جبان، *صحيح ابن جبان*، ج ۱۱، ص ۱۸۰.

آیه را با غزوه بنی المصطلق دو سال قبل از غزوه حنین / اوطاس مرتبط می‌داند؛ مانند روایتی که از مالک بن انس گزارش شد.^۱

به این دسته از روایات می‌توان، آن روایاتی را افزود که معتقد است به هنگام فتح شوشتر توسط ابوموسی اشعری در خلافت عمر، جهت تعیین تکلیف زنان اسیر شده (سبایا)، ابوموسی رأساً یا پس از استفتاء از عمر به بیان رسول خدا ﷺ استناد جست که: زنان باردار تا وضع حمل و زنان غیر باردار تا یک حیض نباید مورد نکاح قرار گیرند.^۲

بررسی و تحلیل اقوال تفسیری

پس از آنکه خدای متعال در آیات پیشین سوره نساء (آیات ۲۲ و ۲۳) حرمت نکاح با محارم نسبی و سببی را بیان نمود، در این آیه شریفه پانزدهمین نکاح محرم را چنین تبیین می‌کند: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ...»^۳.

شروع آیه با واو عطف، محتوای آن را با آیات پیشین پیوند می‌زند. از این رو مترجمان و مفسران در ترجمه و توضیح آیه گفته‌اند: «و زنان شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالک آنان شده‌اید...»^۴.

استثنای موجود در آیه چنان غیرمنتظره و غیر قابل باور بوده است که به گفته سعید بن جبیر وقتی از ابن عباس درباره این آیه پرسیدند، چیزی برای گفتن نداشت و یا از مجاهد نقل شده که گفت: اگر کسی را می‌شناختم که این آیه را برایم تفسیر کند، قطعاً به سوی او می‌شتافتم.^۵

چه این دست از روایات را حاصل فرایند طبیعی نقل بدانیم و چه قائل به جعل روشمند و آگاهانه باشیم، نشان از دشواری تفسیری دارند که از همان سده‌های نخست هجری اندیشه مفسران، فقیهان و محدثان اسلامی را به خود مشغول داشته و هریک تلاش نموده‌اند تا توجیهی برای آن بیابند.

پیش از این، نظریه تفسیری قرن دوم هجری مورد اشاره قرار گرفت؛ نظریه‌ای که معتقد بود «المُحْصَنَاتُ» در آیه شریفه بر حرائر قابل تطبیق است و آیه درصدد تحریم نکاح با بیش از چهار زن آزاد است.^۶ لذا در این مجال نگاه تفسیری متأثر از سبب نزول آیه که از قرن سوم هجری به مرور به

۱. مالک بن انس، *الموطأ*، ج ۴، ص ۸۷۵، نیز: احمد بن حنبل، *المسند*، ج ۲۳، ص ۲۶۵.

۲. ابن ابی شیبیه، *المصنف*، ج ۴، ص ۲۸.

۳. نساء / ۲۴.

۴. ر.ک: فولادوند، *ترجمه قرآن کریم*.

۵. طبری، *جامع البیان*، ج ۵، ص ۶.

۶. ر.ک: مقاتل، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، ج ۱، ص ۳۶۶؛ ابن وهب مصری، *الجامع*، ج ۱، ص ۷۹.

نظریه‌ای غالب و بدون رقیب مبدل گشت مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین منظور ابتدا پژوهش‌های لغوی مطرح درباره واژه «المُحْصَنَاتُ» تحلیل خواهد شد و پس از بیان دیدگاه لغت‌شناسان و مفسران، کاربرد این واژه در بافتار قرآنی مورد توجه قرار خواهد گرفت. سپس با تکیه بر سیاق معنای محصلی از آیه ارائه خواهد شد.

۱. تحلیل واژگانی آیه

واژه «مُحْصَنَاتُ» در آیه «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ» جمع «مُحْصَنَةٌ» به فتح صاد، اسم مفعول از ریشه «حِصْن / دژ محکم» می‌باشد، گو اینکه «مُحْصَنَةٌ» و «مُحْصِنٌ» بر وزن اسم فاعل نیز همین‌گونه است. این واژه با تمامی مشتقاتش (اعم از فعل، اسم و مصدر) ۱۷ بار در ۶ سوره و ۱۱ آیه به کار رفته است.

واژه‌شناسان عرب عموماً «مُحْصَنَةٌ» را «متزوجه» یا زن شوهردار معرفی کرده‌اند و «مُحْصِنَةٌ» را زن عقیف یا آزاد. خلیل بن احمد (۱۷۰ق) می‌نویسد: «الْحِصْنُ: كُلُّ مَوْضِعٍ حَصِينٍ لَا يُوصَلُ إِلَى مَا فِي جُوفِهِ ... وَ إِمْرَأَةٌ مُحْصَنَةٌ: أَحْصَنَتْهَا زَوْجُهَا، وَ مُحْصِنَةٌ: أَحْصَنَتْ زَوْجَهَا، وَ يُقَالُ: فَرَجَهَا: حِصْنٌ هَر مَكَانٍ مُحْكَمٍ وَ نَفُوذِنَاظِيرٍ رَا كُؤِينِد، «إِمْرَأَةٌ مُحْصَنَةٌ» زَنِي رَا كُؤِينِد كِه شُؤْهِرْش حَافِظ (عَفْت) أُو بَاشِد وَ «مُحْصِنَةٌ» زَنِي أَسْت كِه خُؤْد حَافِظ پِيُونِد اَز دَوَاجِش وَ يَا عَفْتِش بَاشِد»^۱.

ابوجعفر نحاس (۳۳۸ق) معتقد است: «إِمْرَأَةٌ مُحْصَنَةٌ» یعنی «متزوجه: زن شوهردار» و «مُحْصِنَةٌ» به کسر صاد؛ یعنی «حُرَّة: آزاد». سپس می‌افزاید: اصل این کلمه از عبارت «مَدِينَةٌ حَصِينَةٌ» یعنی «مَدِينَةٌ حَصِينَةٌ» نفوذناپذیر گرفته شده است؛ از این رو «مُحْصِنَةٌ» زنی است که به واسطه شوهردار بودن نمی‌تواند با دیگران ازدواج کند و «مُحْصِنَةٌ» زن آزادی است که عفتش مانع ورود وی به فسق می‌شود.^۲

راغب اصفهانی (۵۰۲ق) با اشاره به اسباب إحصان می‌نویسد: «المُحْصَنَةُ؛ إِمَّا بَعْفَتُهَا أَوْ تَزَوُّجُهَا أَوْ بِمَانِعٍ مِّنْ شَرَفِهَا وَ حُرِّيَّتِهَا»^۳.

از آنجا که معنای اصلی «حِصْنٌ» بر منع دلالت دارد،^۴ طبری عبارت «المُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ» را «الممنوعاتُ مِنَ النِّسَاءِ» معنا نموده است؛^۵ خواه علت این منع و إحصان چنان‌که راغب اصفهانی متذکر

۱. فراهیدی، کتاب العين، ج ۳، ص ۱۱۸.

۲. نحاس، إعراب القرآن، ج ۱، ص ۲۰۷.

۳. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۲۳۹.

۴. فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۱، ص ۱۱۹۰.

۵. طبری، جامع البیان، ج ۵، ص ۶.

شده عفت درونی زن باشد که مانع از ارتکاب فجور و زنا می‌شود و خواه ازدواج که او را از فرو افتادن در گناه بازمی‌دارد و یا سایر موانع همچون: شرف، حریت و ...^۱.

مفسران نیز همچون لغت‌شناسان واژه «المُحَصَّنَات» را به «ذوات الازواج / زنان شوهردار» تفسیر نموده‌اند. این تفسیر بیش از آنکه متکی به داده‌های لغت‌شناسی باشد، متأثر از روایات سبب نزول است. در میان مفسران متقدم ابوجعفر طبری (۳۱۰ ق)، قریب به ۱۰ معنا و مصداق برای «المُحَصَّنَات» ذکر می‌کند که در ۵ قول به «ذوات الازواج» اشاره نموده و در ذیل اولین دیدگاه، سبب نزول منسوب به ابوسعید خدری را به چند طریق نقل می‌کند.^۲

با این وجود در پایان می‌گوید: با توجه به اینکه اصل معنای «إِحْصَان»، منع و حفظ است پس مراد از «المُحَصَّنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ»: «الْمَمْنُوعَاتُ مِنَ النِّسَاءِ» است و از آنجا که «إِحْصَان» در کاربرد قرآنی یا به سبب حریت است، یا اسلام، یا عفت و یا ازدواج و خداوند آیه «والمُحَصَّنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ» را به یکی از اینها اختصاص نداده، پس هر نوع إحصانی می‌تواند مراد باشد. از این رو ورود بر زن مُحَصَّن حرام است؛ چه به نکاح چه به سفاح، مگر اینکه ملک یمین فرد شود، خواه با خریدن (کنیز) و خواه با عقد نکاح.^۳ با این توضیح، که طبری از «ملک یمین» دو معنا ارائه می‌دهد: یکی ملک رقبه و استخدام که بر کنیزان حمل می‌شود و دیگری ملک استمتاع که بر نکاح به صورت عام دلالت دارد. از این رو معتقد است ملک یمین اختصاصی به کنیزان ندارد (همان). طبری برای آنکه از فهم غالب و رایج زیاد فاصله نگیرد و متهم به بی‌توجهی به روایات سبب نزول نشود مطلبی را در قالب نتیجه‌گیری چنین می‌افزاید: آنچه خدا ازدواج با آنها را مباح نموده عبارتند از: ۱. ازدواج با زنان آزاد حداکثر تا چهار نفر؛ ۲. ازدواج با کنیزانی که اسیر می‌شوند؛ ۳. ازدواج با زنان شوهردار اهل کتاب که اسیر می‌شوند.^۴

قرطبی (۶۷۱ ق) نیز پس از پژوهشی لغوی در ذیل آیه، در نهایت می‌نویسد: «مراد از «مُحَصَّنَات» در این آیه، زنان شوهردار است. وقتی می‌گویند «إِمْرَأَةٌ مُحَصَّنَةٌ»؛ یعنی متزوَّجَه و «إِمْرَأَةٌ مُحَصَّنَةٌ»؛ یعنی حُرَّة».^۵

زمخشری (۵۳۸ ق) از مفسران معتزلی قرن ششم هجری دلالت معنای آیه را بر «ذوات الازواج»

۱. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۲۳۹.

۲. طبری، جامع البیان، ج ۵، ص ۲.

۳. همان، ص ۷.

۴. همان.

۵. قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۵، ص ۱۲۰.

قطعی دانسته و بدون طرح سایر احتمالات می‌نویسد: «هنّ ذوات الأزواج، لأنهنّ أحسنّ فزوجهنّ بالتزويج، فهنّ محصنات و محصنات»^۱.

هرچه از دوران نخست تفسیر اسلامی فاصله گرفته می‌شود، نگاه متأثر از سبب نزول آیه با کنار زدن برداشت اولیه در قرن دوم هجری و حتی با نادیده گرفتن سایر احتمالات مطرح در تفاسیر اولیه، به نگاه غالب و راجح در تفسیر آیه بدل می‌شود. از این رو مشاهده می‌شود که برخی از مفسران معاصر مراد قطعی آیه را همین دانسته و می‌نویسند: مراد از (والمُحْصَنَاتُ) در آیه مورد بحث که نکاح با آنها حرام است، زن‌های عفیف نیست، زیرا نکاح زن مسلمانی که مانعی از ازدواج ندارد، جایز است. منظور زن‌های آزاد هم نیست؛ چون نکاح زن‌های آزاد جایز است، بنابراین مراد از «مُحْصَنَات» زن‌های شوهردار است.^۲

۲. کاربردهای قرآنی «المُحْصَنَات»

برای اینکه این دو دیدگاه به بوته آزمون نهاده شود و میزان همخوانی آنها با سیاق و سایر آیات قرآنی سنجیده شود، در ادامه کاربرد «المُحْصَنَات» را در بافت قرآنی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژه «المُحْصَنَات» در هیأت اسم مفعول و جمع مؤنث سالم، هشت‌بار و در پنج آیه به کار رفته است. کاربرد قرآنی این واژه دست‌کم در قرائت رایج، نظر لغت‌شناسان و عموم مفسران را - که «المُحْصَنَات» را «ذوات الأزواج» معنا نموده‌اند - تأیید نمی‌کند؛ چرا که برخلاف آنچه مفسران و لغت‌شناسان ابراز داشته‌اند، معنای آن اختصاصی به ذوات الأزواج نداشته و کاربردهای متنوعی از آن اراده شده است.

۱. وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ.^۳

۲. وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ... وَأَتَوْهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ...^۴.

در این آیه سه‌بار از واژه «مُحْصَنَات» استفاده شده است که مورد اول و سوم به خاطر تقابل با «ملک یمین» قطعاً حرائر مراد است و در مورد دوم به قرینه تقابل با «مُسَافِحَات»، ظهور و بلکه تصریح بر عفت و پاکدامنی دارد.

۱. زمخشری، *الکشاف*، ج ۱، ص ۴۹۷.

۲. جوادی آملی، *تسنیم*، ج ۱۸، ص ۲۹۶.

۳. نساء / ۲۴.

۴. نساء / ۲۵.

۳. اَيُّوْمٍ اُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتَابَ حَلُّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ اِذَا اَتَيْتُمُوهُنَّ اُجُورَهُنَّ ...^۱

در آیه فوق، چون از حلیت نکاح سخن می‌گوید، قطعاً «ذوات‌الازواج» مراد نیست بلکه «الحرائر» و «العقیفات» اراده شده است.

۴. وَالَّذِيْنَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِيْنَ جَلْدَةً ...^۲

۵. اِنَّ الَّذِيْنَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْعَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ...^۳

در آیات ۴ و ۲۳ سوره نور نیز بنا بر قدر متیقن «الحرائر» و «العقیفات» داخل است؛ چون افزون بر تأکید آیه بر عفت و پاکدامنی چنین زنانی، اجرای هشتاد تازیانه به عنوان حد قذف، بر حرّ بودن آنها دلالت دارد.^۴ گرچه به صورت ضمنی «ذوات‌الازواج» را هم می‌توان به مصادیق آیه افزود.

عمده اختلاف بر سر معنای «المُحْصَنَات» در آیه ۲۴ نساء است. نظریه سنتی در تفسیر با مبنا قرار دادن گزارش ابوسعید خدری و تخصیص «مُحْصَنَات» به «ذوات‌الازواج» و تعمیم «ملک یمین» به «أمه / کنیز» و «سبایا / زنان اسیر شده» به ما می‌گوید که: آیه شریفه ازدواج با زنان شوهردار را تحریم نموده به جز دو دسته؛ یکی کنیز شوهردار که فروش وی طلاقش محسوب می‌شود، علی‌رغم اختلاف دیدگاه‌هایی که در این زمینه وجود دارد^۵ و دیگری زن شوهردار مشرک یا اهل کتابی که اسیر شود، چه اسارت را عامل جدایی و فرقت وی بدانیم و چه اسلام آوردن بعد از اسارت را.^۶

به نظر می‌رسد با توجه به کاربرد «المُحْصَنَات» در قرآن کریم، که عمدتاً تأکید بر حرّیت و عفت مطمح نظر است، تخصیص آن به «ذوات‌الازواج» تخصیص بدون دلیل است.

۳. ارزیابی دیدگاه‌های تفسیری در پرتو سیاق

آیا چنان‌که نگاه سنتی و غالب معتقد است در این آیه مراد از «مُحْصَنَات» صرفاً «ذوات‌الازواج» است یا حداقل ترجیح با «ذوات‌الازواج» است؟ سیاق، کدام دیدگاه را تأیید می‌کند؟

سیاق یکپارچه و هماهنگ آیات مورد بحث در سوره نساء تأییدی است بر اینکه مراد از «مُحْصَنَات»

۱. مائده / ۵.

۲. نور / ۴.

۳. نور / ۲۳.

۴. جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۸، ص ۲۹۵.

۵. قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۵، ص ۱۲۱.

۶. همان؛ طبری، جامع البیان، ج ۵، ص ۲.

در این آیه «الحرائر العقیقات» است نه «ذوات الازواج».

نگاه تدبری و پیوسته‌نگر به دیگر عبارات آیه مورد بحث و آیه بعدی (آیه ۲۵) سوره نساء که سیاق واحدی را شکل می‌دهند، همگی تأییدی است بر این نظریه فراموش شده.

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا * وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ الْمُحْصَنَاتِ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مَتَّخِذَاتٍ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَ فَإِنَّهُنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ حَشِيَ أَلْعَتَّ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ^۱

در بررسی کاربرد قرآنی «المُحْصَنَاتُ» مشخص شد که معنای این واژه اختصاصی به ذوات الازواج نداشته و عمدتاً عفت، ایمان و حریت از کاربرد این واژه مورد نظر شارع بوده است. در اینجا این نکته را نیز باید افزود که تقابل «المُحْصَنَاتُ» با «ملک یمین» نیز ظهور در معنای «الحرائر» دارد، چنان که در آیات فوق نیز مشهود است. بنابراین «المُحْصَنَاتُ» در آیه شریفه بر حرائر قابل تطبیق است نه زنان شوهردار؛ یعنی آیه درصدد تحریم نکاح با زنان آزاد فوق الاربع بوده و از این کلیت تحریم، ملک یمین / کنیز و نکاح متعه را خارج می‌کند، یکی را با ادات استثناء «إِلَّا» و دیگری را با «أُحِلَّ لَكُمْ».

این نکته را از غور در آیه بعدی نیز می‌توان به دست آورد. خدای متعال در آیه ۲۵ می‌فرماید: «وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ» یعنی هر کس توانایی ازدواج با زنان آزاد را نداشت، پس با کنیزان مؤمن ازدواج کند.

در این آیه شریفه به جای (المُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ) در آیه قبلی، عبارت (المُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ) نشسته و هر چند نگاه سنتی تلاش دارد بین این دو تفاوت قائل شود و اولی را بر «ذوات الازواج» و دومی را بر «الحرائر» تطبیق دهد؛ اما هر دو، ظهور در «الحرائر» دارد. با این توضیح که آیه می‌فرماید: هر کس امکان ازدواج با حرائر را ندارد با کنیزان ازدواج کند.

مفسران عبارت (وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا) را عموماً بر استطاعت مالی و بعضاً بر استطاعت میلی حمل نموده‌اند؛^۲ بدین معنا که هر کس توان مالی ندارد یا دل در هوای کنیزی خاص دارد که نمی‌تواند

۱. نساء / ۲۴ و ۲۵.

۲. طبری، جامع البیان، ج ۵، ص ۱۱.

دوری از وی را تحمل کند، می‌تواند با کنیز ازدواج کند. ولی به نظر می‌رسد مراد آیه هر نوع استطاعتی؛ اعم از مالی، میلی و شرعی را شامل شود؛ یعنی هر کس منعی دارد چه از نظر شرعی که نمی‌تواند بیش از چهار زن آزاد بگیرد و چه از نظر مالی و چه از نظر میلی، در هر صورت می‌تواند با کنیزان مؤمن عقد نکاح ببندد.

اینکه (طَوَّلاً) اعم از استطاعت مالی است از خود آیات نیز به دست می‌آید. این واژه در چند آیه آمده است که نمی‌توان معنای آن را صرفاً به استطاعت مالی اختصاص داد.

وَإِذَا أُتْرِلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ.^۱

غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ.^۲

در آیه ۸۶ توبه از کسانی که به منظور فرار از جبهه بهانه می‌آوردند از وصف (أولوا الطَّوْلِ) یاد نموده است، از تقابل این وصف با افرادی چون ضعفا، مرضی و تنگدستان در آیات بعدی مشخص می‌شود که مراد کسانی هستند که هم استطاعت مالی دارند و هم نیروی بدنی و استطاعت جانی. در آیه سوم سوره غافر نیز خدای متعال با وصف (ذی الطَّوْلِ) توصیف شده است که از آن ذوالفضل بودن و ذونعمت بودن خدا مراد است نه استطاعت مالی که وصف بندگان است.

افزون بر این قرآن کریم هر جا استطاعت مالی صرف مراد بوده است، از وصف ذو سَعَةِ استفاده نموده است:

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ.^۳

وَلَا يَأْتِلُ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَى وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.^۴

بنابراین «طَوَّلاً» در آیه ۲۵ نساء اختصاصی به استطاعت مالی نداشته و می‌تواند یکی از مصادیق آن استطاعت شرعی باشد که در توضیح آیه قبل بیان شده است.

ممکن است این پرسش پیش آید که با آنکه خدای متعال در آیه سوم سوره نساء حلیت نکاح با حداکثر چهار زن را تشریح فرمود، که مفهوم مخالف آن تحریم فوق الاربع می‌باشد، چه نیازی به طرح مجدد آن در آیه ۲۴ است؟

۱. توبه / ۸۶

۲. غافر / ۳.

۳. بقره / ۲۴۷.

۴. نور / ۲۲.

باید گفت در حقیقت هر دو آیه به مسئله نکاح با حرائر اختصاص یافته است، با این تفاوت که آیه سوم نساء جواز حتی الاربع را صادر می‌کند و می‌فرماید: «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنِي وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ...» و دیگری (۲۴ نساء) منع فوق الاربع را تبیین می‌کند: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» و از هر دو آیه ملک یمین / کنیز استثنا می‌شود. آنچه طرح مجدد نکاح الحرائر را در آیه ۲۴ ایجاب نموده، بیان دو نکته مهم بوده است: یکی اینکه منع فوق الاربع شامل ملک یمین / کنیز نمی‌شود و دیگر اینکه نکاح متعه از شمول حرمت با حرائر خارج می‌شود: «وَ أَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» یعنی فراتر از چهار زن آزاد، با نکاح موقت حلال است؛ چه «ما وراء ذلك» را به همه موارد پیش گفته در آیات ۲۲ تا ۲۴ ارجاع دهیم و چه «ما وراء المحصنات» مراد باشد.

سبب نزول آیه

قدیمی‌ترین گزارش‌ها درباره سبب نزول آیه که در روایات دسته نخست مورد اشاره قرار گرفت، به قرن سوم هجری باز می‌گردد. از آغاز قرن سوم هجری؛ یعنی از زمان ثبت آن در نخستین منبع روایی تا ربع نخست قرن چهارم هجری که طحاوی (۳۲۱ ق) به بررسی و شرح روایات مختلف در این حوزه می‌پردازد، ابوداوود طیالسی (۲۰۴ ق)، ابن ابی شیبیه (۲۳۵ ق)، احمد بن حنبل (۲۴۱ ق) و دیگر محدثان اهل سنت همچون مسلم نیشابوری (۲۶۱ ق)، ابوداوود سجستانی (۲۵۷ ق)، ترمذی (۲۷۹ ق)، نسائی (۳۰۳ ق)، طبری (۳۱۰ ق)، ابن ابی عوانه (۳۱۶ ق) و طحاوی (۳۲۱ ق) روایت فوق را به اسناد خویش گزارش نموده‌اند.

این روایت بنا بر گزارش احمد بن حنبل (۲۴۱ ق) و مسلم نیشابوری (۲۶۱ ق) چنین است:

حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي عَدِيٍّ عَنْ سَعِيدِ بْنِ قَتَادَةَ عَنْ صَالِحِ أَبِي الْخَلِيلِ عَنْ أَبِي عَلْقَمَةَ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ: أَنَّ أَصْحَابَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وآله] وَسَلَّمَ أَصَابُوا سَبَايَا يَوْمَ أُوطَاسٍ لَهُنَّ أَزْوَاجٌ مِنْ أَهْلِ الشَّرْكِ فَكَانَ أَنَسٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَفُّوا وَتَأْتَمُّوا مِنْ غَشِيَانِهِنَّ قَالَتْ فَزَلَّتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي ذَلِكَ (وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ).^۱

حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ بْنِ مَيْسَرَةَ الْقَوَارِيرِيُّ حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ زُرَيْعٍ حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ أَبِي عَرُوبَةَ عَنْ قَتَادَةَ عَنْ صَالِحِ أَبِي الْخَلِيلِ عَنْ أَبِي عَلْقَمَةَ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وآله] وَسَلَّمَ - يَوْمَ حَتِّينَ بَعَثَ جَيْشًا إِلَيَّ أُوطَاسَ فَلَقُوا عَدُوًّا فَقَاتَلُوهُمْ فَظَهَرُوا عَلَيْهِمْ وَأَصَابُوا

۱. احمد بن حنبل، المسند، ج ۱۸، ص ۳۲۰.

لَهُمْ سَبَابًا فَكَانَ نَاسًا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - تَخَرَّجُوا مِنْ غَشِيَانِهِنَّ مِنْ أَجْلِ أَرْوَاجِهِنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَلِكَ: (وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ) أَي فَهِنَّ لَكُمْ حَلَالٌ إِذَا انْقَضَتْ عِدَّتُهُنَّ.^۱



۱. تحلیل سندی روایات سبب نزول آیه

موقوفه بودن روایت: این دسته از روایات به دلیل عدم انتساب به پیامبر اکرم ﷺ و توقف آنها بر صحابه روایت موقوف نامیده می‌شوند.^۲ برخی از اندیشمندان اهل سنت، هم‌رأی با علمای شیعه، حدیث موقوف را فاقد حجیت دانسته^۳ ولی عموماً روایات موقوف صحابه را در صورت صحت سند به دیده اعتبار می‌نگرند، با این وجود روایات صحیح در حوزه اسباب النزول و تفسیر را بسیار اندک دانسته و در این خصوص تکیه بر اخبار آحاد را جایز نمی‌دانند. از این‌روست که به احمد بن حنبل نسبت داده‌اند که وی چند دسته از روایات از جمله روایات تفسیری را فاقد اساس می‌دانست.^۴

غرابت سند: تمامی این گزارش‌ها حکایت از آن دارد که در میان صحابه، ابوسعید خدری تنها کسی است که سبب نزول آیه از وی گزارش شده است. در طبقه تابعان ابوعلقمه مصری هاشمی و در طبقه اتباع تابعین ابوالخلیل صالح بن ابی‌مریم تنها افرادی هستند که وظیفه انتقال آن را به نسل بعدی بر

۱. نیشابوری، *الجامع الصحیح*، ج ۴، ص ۱۷۰.

۲. سخاوی، *فتح المعبیث*، ج ۱، ص ۱۸۰.

۳. شریف جرجانی، *المختصر*، ص ۴۲.

۴. ابن تیمیّه، *مقدمه*، ص ۲۲؛ زرکشی، *البرهان*، ج ۲، ص ۱۵۶.

عهده گرفته‌اند. بنابراین روایت مزبور در سه طبقه اول (صحابه، تابعین و اتباع تابعین) دچار غرابت سند و تفرد مطلق است. از این رو حتی اگر نظر آن دسته از اندیشمندان اسلامی را بپذیریم که راه دستیابی به سبب نزول آیات را تکیه بر نقل می‌دانند،^۱ باز هم نقل صحیح معیار می‌باشد، چنان‌که زرقانی تصریح می‌کند: «لَا طَرِيقَ لِمَعْرِفَةِ اسْبَابِ النُّزُولِ إِلَّا النُّقْلُ الصَّحِيحُ».^۲

۲. تحلیل متنی روایات سبب نزول آیه

یکی از شروط مقبول افتادن سبب نزول آن است که راوی خود شاهد واقعه باشد.^۳ در این خصوص گرچه برخی گزارش‌ها همچون روایت دوم تلاش دارد با به‌کار بردن الفاظی همچون: «أصبنا»، «سألنا»، «فاستحللنا» و ... حضور راوی در متن واقعه را به اثبات برساند؛ ولی سایر گزارش‌ها در منابع معتبر حکایت از آن دارد که ابوسعید خدری خود شاهد ماجرا نبوده و آن را از دیگران که نام نبرده، شنیده است. شواهد مؤید این نظریه در خود متن موجود است. در گزارش نخست راوی می‌گوید: «إِنَّ أَصْحَابَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَصَابُوا» یا «فَكَانَ أَنَسٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وآله] وَسَلَّمَ كَفُّوا وَتَأْتَمُّوا مِنْ غَشِيَانِهِنَّ: تعدادی از صحابه از همبستری با آن زنان، به دلیل شوهردار بودنشان اجتناب می‌کردند».

یا در گزارش سوم که مسلم نیشابوری روایت نموده، عدم حضور راوی روشن‌تر از سایر گزارش‌ها ترسیم شده است:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وآله] وَسَلَّمَ - يَوْمَ حُتَيْنَ بَعَثَ جَيْشًا إِلَيَّ أُوطَسِرَ فَلَقُوا عَدُوًّا فَقَاتَلُوهُمْ فَظَهَرُوا عَلَيْهِمْ وَأَصَابُوا لَهُمْ سَبَايَا فَكَانَ نَاسًا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - تَحَرَّجُوا مِنْ غَشِيَانِهِنَّ مِنْ أَجْلِ أَزْوَاجِهِنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَلِكَ: (وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ) أَيِ فَهِنَّ لَكُمْ حَلَالٌ إِذَا انْقَضَتْ عِدَّتُهُنَّ...^۴

در این گزارش افزون بر فعل‌های ماضی غایب از واژه «كَانَ» که بر تردید دلالت دارد، استفاده شده که همگی از عدم حضور راوی در متن ماجرا حکایت دارد.

افزون بر موارد پیش‌گفته ناسازگاری روایت با روح معارف قرآن کریم از یک‌سو و تعارض آن با آیاتی

۱. سیوطی، *الاتقان*، ج ۱، ص ۱۱۸.

۲. زرقانی، *مناهل العرفان*، ج ۱، ص ۸۱.

۳. سیوطی، *الاتقان*، ج ۱، ص ۱۲۳.

۴. نیشابوری، *الجامع الصحيح*، ج ۴، ص ۱۷۰.

که نکاح با زنان مشرک را تحریم نموده، مانند: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ...» (بقره / ۲۲۱) از مهم‌ترین دلایل سستی روایت به حساب می‌آید. آنچه از معارف والای قرآن کریم مستنبط می‌شود، بها دادن به کرامت انسان‌هاست که در سراسر آیات نورانی این کتاب آسمانی هویداست. چگونه می‌توان با تکیه بر چنین روایات نه چندان معتبر، حکم به حلیت نکاح با زنان شوهردار اسیر شده در جنگ داد؟! آنچه از مجموع تحلیل سندی و متنی می‌توان نتیجه گرفت این است که این دسته از روایات به واسطه عدم انتصابشان به معصوم علیه السلام، در واقع به منزله گزارش و حکایتی تاریخی محسوب می‌شوند که فاقد هرگونه حجیت بوده و از آنجا که هم از نظر سندی و هم از حیث متنی، برای اثبات سبب نزول بودنشان در حد تواتر نیستند، بلکه خالی از شواهد صدق می‌باشند، نه مفید علم‌اند و نه مفید عمل.

نتیجه

از رهگذر تحلیل آراء تفسیری پیرامون آیه ۲۴ سوره نساء نکات ذیل به دست آمد:

۱. تا پیش از قرن سوم هجری؛ یعنی قبل از آنکه سبب نزول منسوب به ابوسعید خدری در ذیل آیه رواج یابد، نگاه متفاوتی به پیام آیه وجود داشت، ولی پس از توسعه سبب نزول ادعایی، نگاهی بر مفهوم آیه حاکم شد که هم با سیاق و هم با روح معارف قرآنی سازگار نیست.
۲. اندیشه تفسیری متأثر از این سبب نزول با کنار زدن نگاه تفسیری پیش از خود، به اندیشه‌ای غالب و در میان متأخران به نگاهی انحصاری بدل گشت.
۳. کاربردهای قرآنی «المُحْصَنَات» و کاربست تقابلی آن با «ملک یمین» هم در سیاق قرآنی و هم در سیاق آیات همجوار آیه مورد بحث، نشان می‌دهد که بر خلاف آنچه اندیشه تفسیری متأثر از سبب نزول ادعا می‌کند، ظهور در «الحرائر العقیقات» دارد نه «ذوات الازواج».
۴. بر این پایه همان‌گونه که مفسران دوره نخست تفسیر اسلامی اشاره کرده‌اند، آیه در صدد تحریم نکاح با حرائر فوق‌الاربع می‌باشد، نه آن‌گونه که اندیشه رایج تفسیری ادعا می‌کند، مبنی بر اینکه آیه جهت تعیین تکلیف زنان شوهردار اسیرشده، نازل شده است.
۵. سبب نزول ادعایی برای آیه شریفه جزء اخبار آحادی است که نه تنها محفوف به قرائن صحت نیست، که از نظر سندی و محتوایی احتمال جعل و ضعف در آن هویداست.

منابع و مأخذ

قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۱۸ ق،

بررسی تفسیری «المُحَصَّنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ» با تأکید بر سبب نزول □ ۹۳

- ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق اسعد محمد الطیب، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ ق، ج ۳.
- ابن ابی شیبہ، ابوبکر عبدالله بن محمد، *مصنّف ابن ابی شیبہ*، تحقیق کمال یوسف الحوت، ریاض، مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ ق.
- ابن تیمیہ، تقی الدین احمد، *مقدمه فی اصول التفسیر*، بیروت، دار مکتبه الحیاة، ۱۹۸۰ م.
- ابن حبان، محمد بن حبان بُستی، *صحیح ابن حبان*، تحقیق شعیب الأرئوط، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴ ق، ج ۲.
- ابن وهب مصری، عبدالله بن وهب، *تفسیر القرآن من جامع لابن وهب*، تحقیق میکوش مورانی، بی جا، دار الغرب الاسلامی، ۲۰۰۳ م.
- أبو عوانه، یعقوب بن اسحاق اسفراینی، *مستخرج ابی عوانه*، تحقیق ایمن بن عارف الدمشقی، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۹ ق.
- ابویعلی الموصلی، احمد بن علی، *مسند ابی یعلی*، تحقیق حسین سلیم اسد، دمشق، دار المأمون للتراث، ۱۴۰۴ ق.
- احمد بن حنبل، *المسند*، تحقیق شعیب ارئوط و دیگران، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۲ ق.
- بابایی، علی اکبر و دیگران، *روش‌شناسی تفسیر قرآن*، قم و تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۷۹ ش.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۳ ق.
- ترمذی، محمد بن عیسی، *السنن*، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت، دار الغرب الإسلامی، ۱۹۹۸ م.
- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، تحقیق علی اسلامی، قم، إسرائ، ۱۳۸۸ ش، ج ۸.
- خوبی، سید ابوالقاسم، *بیان در علوم و مسائل کلی قرآن*، ترجمه محمدصادق نجمی و هاشم هاشم‌زاده هریسی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
- دارمی، ابومحمد عبدالله بن عبدالرحمن، *السنن*، تحقیق حسین سلیم اسد الدارانی، ریاض، دار المغنی، ۱۴۱۲ ق.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر / مفاتیح الغیب*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان الداودی، بیروت، دار القلم، ١٤١٢ ق.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم، *مناهل العرفان*، بیروت، دار الفکر، ١٩٩٦ م.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دار المعرفة، ١٣٩١ ق.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، *الکشاف عن غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، تحقیق مصطفی حسین احمد، بیروت، دار الکتب العربی، ١٤٠٧ ق.
- سجستانی، ابوداود سلیمان بن اشعث، *السنن*، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت، المكتبة العصرية، بی تا.
- سخاوی، شمس الدین محمد بن عبدالرحمن، *فتح المغیث*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ١٤٠٣ ق.
- سیوطی، جلال الدین، *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، هیئة المصریة العامة للکتب، ١٣٩٤ ق.
- شریف جرجانی، علی بن محمد، *المختصر فی اصول الحدیث*، تحقیق فؤاد عبدالمنعم احمد، مکة مکرمه، المكتبة التجارية، بی تا.
- طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ١٣٩٠ ش، چ ٢.
- طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، *المعجم الأوسط*، تحقیق طارق بن عوض الله، قاهره، دار الحرمین، بی تا.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة، ١٤١٢ ق.
- طحاوی، ابوجعفر احمد بن محمد، *شرح معانی الآثار*، تحقیق محمد زهری النجار و محمد سید جاد الحق، بی جا، عالم الکتب، ١٤١٤ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد حبیب العاملی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- طیبالسی، ابوداود سلیمان بن داود، *مسند الطیبالسی*، تحقیق محمد بن عبدالمحسن ترکی، مصر، دار هجر، ١٤١٩.
- عبدالرحمن، محمود، *معجم المصطلحات و الألفاظ الفقھیة*، بی جا، بی نا، بی تا.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، دار و مكتبة الهلال، بی تا.

بررسی تفسیری «المُحَصَّنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ» با تأکید بر سبب نزول □ ۹۵

- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحیط*، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۶ ق، ج ۲.
- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۱ ش.
- مالک بن انس، *الموطأ*، تحقیق محمد مصطفی الأعظمی، امارات، مؤسسة زاید بن سلطان آل نهیان للأعمال الخيرية و الإنسانية، ۱۴۲۵ ق.
- معرفت، محمد هادی، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲.
- معرفت، محمد هادی، *تفسیر و مفسران*، قم، التمهید، ۱۳۸۰ ش.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *مصنفات الشيخ المفید*، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشيخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
- نحّاس، احمد بن محمد، *إعراب القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۱ ق.
- نسائی، ابو عبد الرحمن احمد بن شعیب، *السنن الکبری*، تحقیق حسن عبد المنعم شبلی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ ق.
- نیشابوری، مسلم بن حجّاج، *الجامع الصحیح*، تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.

